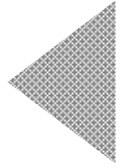


# جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



ابراهیم رحمانی<sup>۱</sup>

سیامک مؤذنی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۴/۴/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۸/۱۵)

## چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس ماهیت انقلاب اسلامی، برای کرامت انسانی، بهای ویژه‌ای قائل شده است تا جایی که می‌توان گفت: در مقایسه با قانون اساسی کشورهای دیگر، یک قانون اساسی "ارزشی" محسوب می‌شود؛ بدین معنا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر شالوده کرامتی که از ناحیه اعتقادات دینی حاصل می‌شود، بنا شده و هدف آن ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی برای نزدیک شدن به خدا می‌باشد؛ چرا که خواست عمومی مردم ایران تدوین قانون اساسی براساس موازین اسلامی بود و همچنین کرامت انسانی نیز یکی از اصول غیرقابل انکار اسلام است. اما پرسش اساسی این است که "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبین حقوق اساسی ملت ایران است، تا چه میزان خود را متعهد به تضمین و رعایت کرامت انسانی نموده است؟" به نظر نگارنده کرامت ذاتی به عنوان بن مایه کرامت انسانی به صورت یک قاعده حقوق اساسی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، پذیرفته شده و در اصول متعددی از آن تجلی پیدا کرده است.

۱ - دانشجو دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور، er\_4741@yahoo.com

۲ - دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران، smo\_3030@yahoo.com

**واژگان کلیدی:** حقوق بشر، قانون اساسی جمهوری اسلامی، کرامت انسانی، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی.

### مقدمه

قانون اساسی، به عنوان عالی ترین سند حقوقی - سیاسی، در هر جامعه سیاسی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. این قانون، ساختار و شکل حکومت، انواع نهادهای سیاسی و حقوق و آزادی های اساسی شهروندان را مشخص کرده، روابط متعادل دولتمردان و فرمانبرداران و همچنین وظایف و تکالیف آنان را تعیین می کند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۵). این قانون، مشروعیت دیگر قوانین و مقررات را ارزیابی می کند. چنانچه این قانون تابع منطق واحدی بوده، از نظم و انسجام درونی و بیرونی لازم برخوردار باشد، می تواند کرامت انسانی را تضمین کرده، زمینه را برای استقرار و استمرار عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تحقق نظام کیفری عادلانه فراهم آورد. یکی از موضوعات بسیار مهم که در مورد امنیت، عدالت، آزادی و رعایت حقوق و آزادی های اساسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته، "کرامت انسانی" است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که خود، پایه و اساس بسیاری از حقوق و تکالیف انسانی شناخته می شود و همانگونه که در اعلامیه ها و کنوانسیون های مختلف بین المللی به آن اشاره شده، امروزه کرامت انسانی نه صرفاً به عنوان یک حق یا مجموعه ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می شود و پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه مستلزم رعایت آن است. در صورت عدم توجه به این اصل و التزام عملی به آثار آن، ارزش هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین المللی معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد و شاهد جهانی پر از ظلم، بی عدالتی، تبعیض و خشونت خواهیم بود و آرمان "تشکیل امت واحد جهانی" و "استقرار نظام جمهوری اسلامی" هرگز به منصفه ظهور نمی رسد. در این قانون کرامت انسانی در زمره مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی و همطراز اصول اعتقادی، نظیر توحید، نبوت و معاد مطرح گردیده است (انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۷۷: ۶۱-۶۰) که نشان دهنده اهمیت بسیار بنیادین و اساسی آن است و اهمیت آن تا جایی است که آزادی و کرامت انسانی بشر، سرلوحه اهداف قانون اساسی محسوب گردیده است.

## ۱- مفهوم کرامت انسانی

## الف - تعریف لغوی

کرامت انسانی در لغت دارای معانی مختلفی است که مهمترین آنها عبارتند از: "ارزش، حرمت، حیثیت، عزت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و ... است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۶۰۷۰). معادل انگلیسی واژه کرامت انسانی (Human Dignity) است که "شرف، افتخار، استحقاق و شرافت برجسته معنی می‌دهد (Black, 1991: 456)؛ در دایره‌المعارف آکسفورد در مورد معنای واژه کرامت (Dignity) چنین آمده است: از واژه لاتین (Dignitas) گرفته شده و به معنای شرافت، حیثیت، افتخار و استحقاق احترام می‌باشد (Oxford Encyclopedic, 1996: 398).

کرامت ضد دنات و پستی است، این واژه به عنوان یک صفت در اخلاق پسندیده به کار می‌رود، غالباً به ذات شیء تعلق می‌گیرد و آن هنگامی است که "شیء" بالذات و در کُنه وجود خود، با ارزش باشد. پس مراد از "کرامت انسانی" آنست که: "انسان" از آن جهت که انسان است، دارای ارزش وجودی می‌باشد. بنابراین، انسان‌ها در تبار، مشترک و برابرند و تفاوتی بین آنان نخواهد بود. اگر چه می‌توانند با اعمال اختیاری خود آن را از دست داده یا بر آن بیفزایند و شخصیت وجودی خود را ارتقا بخشند.

کرامت عبارت است از حق رعایت عزت نفس آدمی؛ به تعبیر دقیق‌تر: کرامت حقی است بنیادین و آمیخته با تکلیف که موضوع آن نفس و ذات آدمی بوده و قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط نمی‌باشد. موضوع این حق بنیادین، نفس، ذات و سرشت آدمی است. مقصود از حق یا حقوق بنیادین (Fundamental Right) حقوقی است که جنبه جهانی (Universal) داشته، مبتنی بر اصول اخلاقی الزام‌آور برای تمام ملت‌ها و فرهنگ‌هاست و از آن حیث که با انتفاع و سلب کرامت، وجود، حیات و هستی آدمی نیز لغو و بی‌معنا خواهد بود و استیفای آن برای رسیدن انسان به رفاه و سعادت ضروری است. به عبارت دیگر، حق کرامت از مصادیق حقوق شخصیت محسوب می‌گردد که از ویژگی‌های مهم آن این است که همواره ملازم و همراه صاحب حق بوده و قابل انفکاک نمی‌باشد و نمی‌توان آن را اسقاط و یا توقیف نمود و یا انتقال داد یا اینکه مورد تعدی و تجاوز قرار داد و حتی پس از مرگ نیز به ورثه منتقل نمی‌گردد و مشمول مرور زمان نیز واقع نمی‌شود (آقایی، ۱۳۷۶: ۱۲۴).

## ب - تعریف اصطلاحی

مفهوم کرامت انسانی به دو بخش کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی تقسیم می‌شود که با عنایت به اهمیت بسیار والای این عبارت، فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده‌اند این مفهوم و اصطلاح را تعریف و تبیین نمایند که در ذیل بیان می‌گردد:

علامه مرحوم محمدتقی جعفری کرامت انسانی را به دو قسم ذاتی و اکتسابی تقسیم کرده و می‌گوید: "دو نوع کرامت برای انسان‌ها در اسلام ثابت شده است که عبارتند از: ۱) کرامت ذاتی (Inherent) و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت برخوردارند؛ ۲) کرامت اکتسابی (Acquired) از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال ناشی می‌شود. ارزش نهایی و غایی انسان به همین نوع کرامت است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۷۹). بنابراین اعتبار کرامت ذاتی انسان، همان حیثیت و حرمتی است که تمام انسانها بشکل طبیعی از آن بهره مند می‌باشند.

امانوئل کانت آلمانی در نظریه ی خود بنام "خودمختاری اخلاقی" کرامت انسانی را چنین بیان می‌دارد: کرامت انسانی، آن نوع حرمت و ارزشی است که کلیه افراد به لحاظ استقلال ذاتی و توانایی اخلاقی که دارند، به صورت یکسان از آن برخوردارند (Kant, 1993, p96). با توجه به مطالب فوق، کرامت ذاتی و اکتسابی را می‌توان به شرح زیر تعریف کرد: آن نوع شرافت و حیثیتی که تمام انسانها به جهت استقلال ذاتی، توانایی اخلاقی و نفخه الهی که دارند و به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند کرامت ذاتی است و آن قسم کرامت که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضایل آنرا بدست آورد اکتسابی می‌باشد. یعنی رفتار انسانی منزلت‌های متفاوتی ایجاد می‌کند و به تبع آن افراد نسبت به یکدیگر برتری پیدا می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

## ۲- مبانی نظری کرامت انسانی

### الف - نظریه خودمختاری امانوئل کانت

کانت فلیسوف بزرگ آلمانی در آثار خود پابندی به آزادی و حیثیت انسانی را بخوبی تبیین کرده است. وی در ارتباط با کرامت انسانی می‌گوید: مبنای اصلی این کرامت را در توانایی

روحي و اخلاقي و يا به تعبيری در "خودمختاری اخلاقي و استقلال ذاتی" او باید جستجو کرد. انسانیت به ما ارزش و کرامت می‌بخشد؛ یعنی شخصیت اخلاقي است که ما را بر جانوران تفوق می‌دهد، چرا که غریز، جانوران را راهنمایی می‌کند ولیکن ما انسان‌ها موجوداتی آزاد "خودمختار" (Autonomy) و "خودقانوننگ" (Self-Legislator) می‌باشیم (راجز، ۱۳۸۰: ۱۰۹). همچنین در خصوص این مسأله در کتاب دیگر خود بنام "بنیادهای مابعد الطبیعه اخلاق" می‌گوید: نیروی فطری عقل به هر کس کرامت می‌دهد نه مقام و موقعیت اجتماعی و علاوه بر این توان هر فرد برای اینکه با تفکر و اندیشیدن تصمیم بگیرد که نه تنها زندگی خود را شکل ببخشد بلکه با وضع قوانینی که ساختار قانونی زندگی همگان را تشکیل دهد به حفظ و ترویج احترام متقابل مردم یاری رساند (راجز، ۱۳۸۰: ۴۵). به باور کانت توانایی تفکر مستقل جهت تشخیص اینکه چه چیزی به لحاظ اخلاقي صحیح و چه چیزی غلط است، بدلیل توان تعقل و استدلال آدمی در همه آحاد بشر "ذاتی" است (این عبارت با باورهای اسلامی و بویژه آیاتی از سوره "الشمس" مطابقت دارد). قوانین بینادین دولت باید شمول عام داشته باشد. البته به عقیده کانت تساوی مدنی بمعنای برابری از حیث ثروت و قدرت نیست، آنچه تساوی سیاسی و مدنی بدان نیاز دارند فرصت برابر است؛ بدین معنا که هر کس برای رسیدن به هر وضع و مقامی که آرزومند است، می‌تواند در محدوده امکانات یک جامعه آزاد تلاش کند و احدی نباید بطور غیرقانونی مانع رسیدن دیگران به آرزوهایش شود. کانت می‌گوید: "اصل برابری خود مستلزم اصل عمومیت است. عدالت نیازمند آنچنان شرایط قضایی است که با حفظ و حمایت از آزادی همه، حامی آزادی یکایک افراد باشد. لذا دادرسی باید فارغ از هرگونه ملاحظات شخصی بوده و بدون تبعیض نژادی، مذهبی، جنسی، قومی و ... دایره شمولیت آن همه افراد باشد (راجز، ۱۳۸۰: ۴۶).

### ب- نظریه کرامت منبعث از وحی

وحی مداران معتقدند کرامت ذاتی انسان، نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری و یا عقلانی؛ بلکه ریشه در فطرت و آفرینش نوع بشر دارد و بر پایه فرامین الهی استوار می‌باشد. در دیدگاه خداپاوران، کرامت انسانی موهبتی خدادادی است؛ کل عالم و آنچه در آن است، مخلوق خدا است و از یک اراده مطلق و برتر ناشی شده است. بنابراین، «وجود» یک فیض الهی است که به موجودات عالم ارزانی شده است: (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ؛ سوره اعراف، آیه ۵۴)؛ بدرستی که

آفرینش و تدبیر امور جهان، مخصوص خداست. سپس خداوند متعال، از بین همه مخلوقات خود، انسان را برگزید و از روح خود در او دمید: (وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ سوره حجر، آیه ۲۹)؛ لذا انسان در نیکوترین صورت، پای به عرصه وجود گذاشت و خداوند در خلقت چنین موجودی، به خود تبریک گفت. اسماء خاص خود را به او آموخت؛ امانت ویژه خود را در اختیارش نهاد؛ و در عین ناباوری فرشتگان، او را جانشین خود در زمین قرار داد؛ به فرشتگان فرمان داد بر او سجده نمایند؛ و در یک کلمه به او کرامت بخشید: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...؛ سوره الاسراء، آیه ۷۰) و به خاطر این کرامت، انسان لیاقت پیدا کرد که آسمان و زمین و هر آنچه در آنها است برای او و تحت سلطه او در آید. بنابراین، "کرامت" گوهری است که خداوند متعال به برترین مخلوق خود، عطا کرده است و انسان بدون این موهبت، نه وجودی داشته است و نه ارزش وجودی. طرفداران این نظریه می گویند خدای انسان با او نوعی پیوستگی و ارتباط دارد و همین حقیقت، مبانی اساسی حقوق و کرامت انسانی را در جامعه بشری و حکومت دینی تبیین می کند (جعفری تیریزی، ۱۳۷۰: ۲۸۰). به عبارت دیگر کرامت تکوینی به آن دسته از شایستگی های ذاتی و استعداد های انسانی اطلاق می گردد که می تواند در معرض هدایت و تربیت تعالیم آسمانی پیامبران قرار گیرد و باعث رشد و صعود انسان به مراتب کمال و مقامات والای انسانی شود. خداوند انسان را به سبب داشتن استعداد ذاتی و فطری برای درک حقایق و اسرار هستی خلیفه خود قرار داده است و تعلیم تکوینی حقایق هستی به او در آغاز آفرینش موجب گردیده تا بشر برای احراز این مقام، شایسته تر از فرشتگان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۷۸-۱۷۶). بنابراین می توان گفت که کرامت تکوینی عبارت است از: برخورداری از شرافت وجودی نشأت گرفته از روح مقدس خدایی.

### ۳- حقوق بین الملل و کرامت انسانی

کار اصلی حقوق سازمان دادن به جامعه، یعنی مهار کردن غریزه خودپرستی و خشونت، تأمین زیست اجتماعی و هماهنگ کردن فعالیت های مادی و معنوی اعضای جامعه است (فلسفی، ۱۳۷۰: ۶۲). حقوق بین الملل بمثابة حقوق جامعه بین المللی، تمامی قواعد آن کل جامعه را در برمی گیرد و موضوعات متنوعی را موضوع کار خود قرار داده است. حقوق بشر اساسی ترین حقوقی است که هر فرد بطور ذاتی و فطری از آن بهره مند می شود. چنانچه جامعه جهانی در فضای صلح با

یک زبان مشترک اخلاقی، گفتگو و مباحثه کنند؛ این زبان مشترک همان حقوق بشر می‌باشد. حقوق بشر مفهومی عمیق و ریشه‌دار در تفکر انسانی و دینی است. حقوق بشر حقوقی است که به انسان، به صرف انسان بودنش، بدون توجه به دین، فرهنگ، زبان، نژاد، ملیت، مقام، خویشاوندی، تبار و قومیت و... تعلق می‌گیرد. ذیل همین شاخه از حقوق بین‌الملل عبارت کرامت انسانی قابلیت حمایت، تضمین به رعایت و احترام از سوی دولت‌ها و اشخاص پیدا می‌کند. در واقع کرامت فطری انسان‌ها موجب شد تا افراد اجازه یابند از کرامت، آزادی و توانایی خود برای پی‌ریزی نوآوری‌هایی در حوزه‌های متعدد جامعه بهره گیرند. در آیات قرآنی و روایات اسلامی بسیاری بر کرامت ذاتی انسان‌ها تأکید شده است و مبنای حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، کرامت ذاتی انسان می‌باشد. به عبارت دیگر از آنجا که همه انسان‌ها مخلوق یک آفریدگار می‌باشند و خداوند به کرامت ذاتی همه انسان‌ها در کنار کرامت اکتسابی، تأکید داشته است و این کرامت اعطایی ذاتی، مختص همه افراد (نوع بشر) می‌باشد، می‌توان گفت این حقوق مشترک باید در همه زمان‌ها و مکان‌ها بدون تبعیض اعمال شود.

کرامت انسانی به عنوان "ارزش برتر" برای توجیه حقوق بشر توصیف شده است. این عنصر امکان مشارکت وسیع‌تر همه ارزش‌ها و ترجیح متقاعدسازی را به جای اجبار فراهم می‌سازد (Lasswell, 1980: 376-377). در این زمینه وفاق عام (Consensus) حاصل است که انسان از موهبت ارزش و کرامت ذاتی برخوردار است. این تنها مفهوم دستوری و هنجاری است که تقریباً هر حق قابل تصور برای انسان می‌تواند از آن کسب توجیه کند و خود می‌تواند در تفکرات مذهبی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی مقبولیت یابد. امروزه بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، کرامت ذاتی انسان را به عنوان توجیه اساسی برای حقوق بشر، و آرمانی در برابر رفتار موهن و سوء استفاده‌آمیز با افراد بشر مورد استناد قرار می‌دهند. از این رو، رونالد دورکین مدعی شده است که "هر کس ادعا می‌کند حقوق را جدی می‌گیرد... باید دست کم... اندیشه هر چند مبهم، اما قدرتمند کرامت انسانی را بپذیرد." (بادرین، ۱۳۸۲: ۲۲۷).

به باور برخی از طرفداران مکتب حقوق فطری و طبیعی، از گذشته‌های بسیار دور اندیشه تضمین به رعایت و احترام به حقوق بشر وجود داشته است. شاید بتوان گفت از هنگامی که قدرتمندان، خودسری پیشه کردند و بر ضعیفان جامعه ظلم روا داشتند، این حقوق برای مقابله با ستم و بی‌عدالتی و با هدف تأمین حداقل حقوق برای افراد جامعه شکل گرفت. از همین نقطه حقوق

بنیادین انسانی (همچون حق حیات، حق کرامت، حق آموزش و پرورش، حق آزادی مسئولانه و حق برابری و...) در برابر حقوق و قوانین پدید آمد تا نظم و آرامش را برای جامعه انسانی به ارمغان آورده و حیات مطلوب انسانی را تأمین کند (نظری، ۱۳۸۴: ۱۰۲). اعلامیه جهانی حقوق بشر، که شاید مهمترین سند عمومی قرن بیستم باشد، به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و از آن زمان، انبوهی از معاهدات، میثاق‌ها و سایر اسناد حقوقی در زمینه حقوق بشر، تقریباً به وسیله همه ملت‌ها، به تصویب رسیده است و احترام به حقوق بشر، به معیاری بنیادین برای سنجش مشروعیت اخلاقی جوامع مبدل شد (گیورث، ۱۳۸۲: ۱۴۹).

در مقدمه منشور ملل متحد، «انسان» به لحاظ نظری، بنیانگذار جامعه بین‌الملل لقب گرفت و مقدمه منشور با نام "مردم ملل متحد" گشوده شد و از ایمان آنان به حقوق اساسی بشر، کرامت و شأن انسان و تساوی حقوق مرد و زن و همچنین همه ملت‌ها، سخن به میان آمد (نوبهار، ۱۳۸۲: ۶۱۳). اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حقوق طبیعی مبتنی است و در آن مقصود این نیست که بشر با طبیعت ثابتی آفریده شده است و حقوق مذکور مقتضای این طبیعت می‌باشد، بلکه منظور آن است که انسان بما هو انسان و به اعتبار بشر بودنش، حقوقی دارد و هیچ امر خارجی و عارضی نباید مانع از برخورداری وی از این حقوق باشد (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ۵۳). در هر سه سند مهم بین‌المللی حقوق بشر، کرامت انسان مورد تأکید واقع شده است. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۷م) از "کرامت و ارزش افراد انسانی" یاد شده است. در مقدمه مشترک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون چهارگانه ژنو و حقوق بشر دوستانه به موضوع کرامت انسانی (Dignity) اشاره شده است و بر "کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری" تأکید و تصریح می‌کنند: "این حقوق از کرامت ذاتی موجود بشری منبعث می‌شود". در اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر وین (۱۹۹۳م) نیز این بیان تکرار شده و آمده است: "تمام حقوق بشر از کرامت و ارزش انسانی فرد انسانی منبعث شده‌اند". در اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر (۱۹۴۸م) نیز آمده است: "مردم (قاره) آمریکا کرامت افراد انسانی را پذیرفته‌اند" (خلفی، ۱۳۸۲: ۳۶۱).

برخی اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر که در اسلام نیز جهت حفظ کرامت انسانی بر آن‌ها تأکید شده است، عبارتند از: حق حیات؛ در ماده ۳ اعلامیه، آزادی فطری افراد بشر و مبارزه با



بردگی؛ مواد ۳، ۴ و ۱۰، لغو شکنجه و رفتار برخلاف شئون بشری؛ در ماده ۵، لغو تبعیض؛ مواد ۷ و ۱۲، حق دادخواهی و رسیدگی به اتهام در دادگاه صالح؛ مواد ۸، ۹ و ۱۰، اصل برائت؛ بند اول ماده ۱۱، اصل قانونی بودن جرم و مجازات؛ بند ۲ ماده ۱۱، رعایت حریم خصوصی افراد؛ ماده ۱۲، آزادی انتخاب و ترک اقامتگاه؛ مواد ۱۳ و ۱۴، حق تابعیت و تغییر آن؛ ماده ۱۵، آزادی شرکت در مجامع و اتحادیه‌ها؛ ماده ۲۰ اعلامیه و همچنین بند ۴ ماده ۳۲، حق شرکت در اداره امور سیاسی کشور؛ بند اول ماده ۲۱، حق امنیت شخصی و اجتماعی؛ مواد ۳ و ۲۲، حمایت از شرافت و اعتبار افراد؛ ماده ۱۲، آزادی ابراز و تغییر عقیده؛ مواد ۱۸ و ۱۹ (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

**۴- قواعد و مقررات مندرج در قانون اساسی به منظور حمایت از کرامت انسانی**  
 گنجاندن اصل کرامت انسانی در اصل دوم قانون اساسی، به عنوان یکی از مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، برای توجه دادن به شناسایی و رعایت حقوق همه اقوام و اتباع ملت ایران؛ بدون عنایت به مفهوم متداول آن در نظام جهانی حقوق بشر، نبوده است. توجه به این نکته، هم در فهم اصل قانون اساسی به خصوص در زمینه حقوق ملت و هم در تدوین و تصویب قوانین عادی و رویه‌ها تأثیرگذار خواهد بود. اینکه به برخی از اصول قانون اساسی اشاره می‌کنیم که به نظر می‌رسد با برداشت همین معنا از بند ششم اصل دوم قانون اساسی، به ذکر و بیان تکلیف دولت به معنای عام پرداخته و بر شناسایی و اجرای حقوقی که امروزه از آنها به حقوق شهروندی تعبیر می‌شود و در واقع در ردیف حقوق و آزادی‌های اساسی برای همه شهروندان است، تأکید می‌کند:

### ۱- حقوق سیاسی

#### الف) حق تعیین سرنوشت

بنیادی‌ترین حق سیاسی که بر اساس کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، حق تعیین سرنوشت می‌باشد که در اصل ۵۶ قانون اساسی به صورت صریح به رسمیت شناخته شده است: "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان

سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد...." در بند هشتم اصل سوم قانون اساسی نیز یکی از وظایف مهم دولت به کارگیری امکانات برای "مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش" شمرده شده است که راهکار اعمال این حق نیز در اصل ششم به روشنی مشخص شده است.

واژگان بکار رفته در اصول یاد شده نظیر "انسان"، "ملت"، "عامه مردم"، "آرای عمومی" و "مردم"، مبنا بودن کرامت ذاتی انسان در حق تعیین سرنوشت را مسلم ساخته است. البته اصل ۵۶ در صدر خود حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را متعلق به خدا دانسته و بر همین اساس مبنا و منشأ کرامت انسانی را الهی می‌داند. اما خدایی که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن اوست، هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. برابر اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف است تا کلیه امکانات خویش را برای "طرده کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ بیگانگان، محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون" به کار گیرد. دامنه شمول این نوع از آزادی‌های عرصه‌های زیر را در برمی‌گیرند:

۱. **آزادی عقیده:** چنانچه اصل ۲۳ اشعار می‌دارد: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد". چرا که اسلام مکتب تحمیل نیست. آزادی با تمام حدود و ثغورش توسط اسلام تبیین شده و ما فقط اسلام را ارائه می‌کنیم، بنابراین قبول و یا عدم پذیرش آن اختیاری و بر عهده فرد است.

۲. **آزادی بیان:** در اصل ۲۴ نیز آمده است که: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند." یعنی اینکه در این حکومت همه آزادند تا اظهار عقیده کنند. همه مطبوعات آزادند، مگر این که مطالبی مضر به حال کشور منتشر شود.

۳. **آزادی احزاب و تشکیل اجتماعات و راهپیمایی:** این موضوعات در دو اصل ۲۶ و ۲۷ قید شده و در نص قانون چنین ذکر شده است: "احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت." (اصل ۲۶) و

تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است. (اصل ۲۷). بنابراین روشن است که محدوده این آزادی‌ها، عام، گسترده و شامل تمامی ایرانیان با هر گرایش و سلیقه، قوم و قبیله، نژاد و رنگ و با هر عقیده و مذهبی می‌شود. استثنائاتی چون "مشروط به اینکه"، "به شرط آنکه" در میان تمامی حکومت‌ها رایج است و بر اساس مصالح اجتماعی بشری و شرایط خاص جامعه ایرانی در این اصول گنجانده شده است. و اساساً یک زندگی اجتماعی آرام و مدنظر اکثریت آن جامعه، چنین اقتضائاتی دارد و با نگاه کلان، محدودیت محسوب نمی‌گردد. ضمن این که همه شهروندان جامعه را شامل می‌شود و اختصاص به افراد یا گروه معینی ندارد.

## ۲- حقوق فرهنگی، اجتماعی

حقوق فرهنگی و اجتماعی، حداقل‌هایی هستند که هر انسان به حکم انسانیت و ارزشی که دارد، باید از آنها برخوردار باشد، کمیت و کیفیت آن در قوانین اساسی معیار مناسبی برای ارزیابی جایگاه کرامت انسانی در آن قانون تلقی می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این حقوق را به خوبی تأمین و تبیین کرده است:

### الف) حقوق علمی و آموزشی

۱. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل سوم، همه امکانات خود را برای این امور به کار گیرد...؛ ۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛ ۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه؛ ۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمامی زمینه‌ها. از اهم وظایف دولت است که برطبق قانون اساسی مکلف است تمهیدات لازم را برای بهره‌مندی عموم شهروندان از حقوق صدرالذکر فراهم نماید.

### ب) حق شغل

آزادی انتخاب شغل بدون تجاوز به مصالح عمومی و تأمین شرایط مساوی بمنظور اشتغال، تکلیفی است که دولت موظف به ایفای آن و در اصل ۲۸ قانون اساسی لحاظ شده است: "هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد

امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید."

### ج) حق مسکن

برخورداری از مسکن متناسب با نیاز افراد جامعه، عنایت ویژه و اولویت بخشی به نیازمندان و اقشار آسیب پذیر تعهدی است که برعهده دولت بوده و در اصل ۳۱ بیان شده است: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

### د) تأمین اجتماعی

برخورداری همگان از تأمین اجتماعی، التزام دولت به حمایت از یکایک افراد و ارائه خدمات مرتبط به تأمین اجتماعی از دیگر تکالیف دولت در قبال مردم به حساب می آید.

### ه) حق تابعیت

حقی مسلم و غیرقابل سلبی است که فقط در زمره حقوق اجتماعی بوده و به گونه ای واضح در اصل ۴۱ قانون اساسی قید شده است: "تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید."

### و) حق آزادی در حوزه های خصوصی

آزادی های فردی در حوزه های خصوصی که به نسبت، تکالیفی برای جامعه و حکومت ایجاد می کند، یک حق اجتماعی محسوب می شود.

## ۳ - حقوق اقتصادی

دسته دیگری از حقوق مردم که بر اساس کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده، حقوق اقتصادی است. از دیدگاه قانون اساسی: "هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند." (اصل ۴۶) و "مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است" (اصل ۴۷). اما آنچه که مربوط به دولت است، "نه تنها وظیفه دارد نیازهای اساسی مردم چون: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، را تأمین نماید بلکه باید برای دستیابی به رفاه و

آسایش مادی و معنوی مردم برنامه‌های اقتصادی کشور را به صورتی تنظیم نماید که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. (اصل ۴۳).

#### ۴ - حقوق قضایی

در جمهوری اسلامی به حکم کرامت انسانی «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (اصل ۲۲).

قوة قضائیه که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و متولی احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع (اصل ۵۶) می‌باشد، باید بر اساس توصیه‌های دینی، این وظیفه را به خوبی انجام دهد در غیر این صورت عبارت جمهوری اسلامی قابل اطلاق به عنوان کشور نمی‌باشد. بنابراین تمامی نهادهای جمهوری اسلامی باید در عمل اسلامی باشند و در رأس آنها و از همه مهم‌تر قضا و قضاوت است، که باید روی موازین اسلام باشد. اصول ذیل که قوه قضائیه ملزم به رعایت آنها می‌باشد، اینطور در قانون اساسی احصاء شده است:

۱. هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کرده و در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود (اصل ۳۲).

۲. هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد (اصل ۳۳).

۳. دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد (اصل ۳۴).

۴. در تمامی دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد (اصل ۳۵).

۵. حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (اصل ۳۶).

(۳۶).

۶. اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نشده، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد (اصل ۳۷).

۷. هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی، فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات خواهد شد (اصل ۳۸).

۸. هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است (اصل ۳۹).

مجموعه حقوقی که برشمرده شد، از جمله حقوق انسانی است که بر اساس کرامت ذاتی انسان بدون هیچ قیدی به تمامی ایرانیان تعلق گرفته و تا زمانی که با اعمال اختیاری و ناشی از اراده خود، از خویش سلب ننماید، قابل سلب نیست و جمهوری اسلامی موظف است آنها را برای تک تک ایرانیان تأمین نماید. اما اگر افراد به خواسته خود، این حقوق را از خود سلب نمایند، حکومت نیز موظف است جهت احقاق حقوق جامعه، متخلف را مجازات نماید. چنان که همین قانون اساسی مقرر داشته است، "هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد" (اصل ۴۰).

### سخن پایانی

کرامت انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر خلاف دیگر قوانین اساسی، منشأ الهی دارد و کرامت ارزشی و دین مدارانه از راه تقوا حاصل می شود (انسان با به کارگیری استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال این نوع کرامت را کسب می کند و مصداق آن آیه "ان اکرمکم عند الله اتقاکم" می باشد). کرامت انسانی در قانون اساسی بر خلاف قوانین دیگر منشأ اومانسمی (انسان محوری) ندارد و مطابق آیه شریفه "لقد کرمانا بنی آدم" کرامت را در او ودیعه گذاشته اما با پرورش آن و در پیش گرفتن تقوا آن را به نوعی ارتقاء می دهد، مورد توجه ویژه قرار گرفته است، تدوین کنندگان قانون اساسی با تکیه بر آموزه های دین اسلام و با به رسمیت شناختن کرامت انسان "بما هو انسان" حقوق اولیه انسانی را برای وی تعریف و در نظر گرفته اند.

هدف قانون اساسی در جمهوری اسلامی، ایجاد بستر مناسب برای رشد و اعتلای استعداد های

انسان با کرامت است، کرامت ذاتی انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم ترین منبع پذیرفته شده است. بدیهی است که قوانین ایران و در رأس آنها قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرامت را سرلوحه تنظیم خود قرار داده که ناشی از اعتقاد و باور نظام به اصول دین است. اصول مبتنی بر برابری همه مردم با هم از هر رنگ، زبان و نژادی است و تمامی افراد از حمایتی یکسان برخوردار هستند. کرامت انسانی موهبتی خدادادی است، کل عالم ناشی از اراده مطلق پروردگار بوده و در قرآن کریم گفته شده که تدبیر امور جهان مخصوص خداوند است. بنابراین انسان با بهره گیری از کرامت ذاتی و وجودی، این قابلیت را یافته که همه چیز در اختیارش باشد و این همان کرامت انسانی است که در مواد متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی متبلور شده است. شایان ذکر است صیانت از کرامت ذاتی انسان، براساس آموزه های دینی و نظام حقوقی تا زمانی در حیطه مسئولیت حکومت اسلامی قرار دارد که افراد طرف تعامل در صدد سوء استفاده از این حق طبیعی نبوده و به کرامت دیگر افراد تعدی نمایند؛ در غیر این صورت این حق از آنان ساقط شده و تحت عنوان متجاوز و مجرم قابل مؤاخذه خواهند بود.

## منابع

- آقایی، بهمن (۱۳۷۶)، **فرهنگ حقوق بشر**، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- بادرین، مسعود (۱۳۸۲)، "حقوق بشر و حقوق اسلام: اسطوره ناهمخوانی"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- تامس جونز، ویلیام (۱۳۸۸)، **خداوندان اندیشه سیاسی**، ترجمه: علی رامین، تهران، امیرکبیر، جلد اول.
- جاودان، محمد (۱۳۸۲)، "نواندیشی دینی در اسلام و تأملاتی در کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰)، **تحقیقی در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر**، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، **فلسفه حقوق بشر**، قم، انتشارات اسراء.
- حبیب زاده، محمدجعفر؛ رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۶)، "کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، شماره ۴.
- خلفی، مسلم (۱۳۸۲)، "نگرش برون دینی به حقوق بشر (امتناع یا ضرورت)"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.

- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲)، "ملاحظات درباره حقوق بشر و نسبت آن با دین و تاریخ"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، **لغتنامه**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد یازدهم.
- ریاست جمهوری (۱۳۷۷)، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، اداره کل امور قوانین و مقررات کشور.
- سالیوان، راجز (۱۳۸۰)، **اخلاق در فلسفه کانت**، ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات طرح نو.
- عمید زنجانی، عباس علی؛ توکلی، محمدمهدی (۱۳۸۶)، "حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام"، **فصلنامه حقوقی**، دانشگاه تهران، شماره ۴.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۰)، "روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل"، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۹.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، دفتر اول.
- گیورث، آلن (۱۳۸۲)، "آیا حقوق بشری وجود دارد؟"، ترجمه: محمدحسینی مجنده، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از دانشمندان (۱۳۷۷)، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالمکتب الاسلامی، جلد اول.
- میرخلیلی، سیدجواد، "کرامت انسانی از دیدگاه قرآن"، قابل دسترسی در: [www.mirkhalili.ir/index.php?option=com\\_content&task=view&id=58&Itemid=33](http://www.mirkhalili.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=58&Itemid=33)
- مهرپرور، حسین (۱۳۷۲)، **دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- مهرپرور، حسین (۱۳۷۴)، **حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و مواضع جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات اطلاعات.
- مهرپرور، حسین (۱۳۸۵)، "کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن"، **مجله حقوق عمومی**، شماره ۱.
- نژندی منش، هیبت‌الله، "جهانشمولی حقوق بشر"، قابل دسترسی در: [www.hoghoghdanan.com/international20low/human20rights/article/](http://www.hoghoghdanan.com/international20low/human20rights/article/)
- نظری، عبداللطیف (۱۳۸۴)، "کرامت انسانی در قرآن و روایات و دولت مهدوی"، **مجله گلبرگ**، شماره ۶۹.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۲)، "دین و کرامت انسانی"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات میزان، جلد اول.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، تهران، انتشارات میزان.



- Lass well, M.(1980), ***Human Rights and World Public Order***, and New Haven: Yale University Press.
- Black, Henry Campbell(1991), ***Black's Law Dictionary***, 6th, U.S.A, west publisher.
- Kant, Immanuel(1993), ***Groundwork of the Metaphysics of Morals***, translated by Ellington, J., third edition, hackle publishing company, U.S.A.
- The Oxford Encyclopedic(1996), ***English Dictionary***, New York, oxford university press.